

گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری

محمود اژداری

واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m.azhdari@live.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۸/۶]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۴/۲۲]

چکیده

اصطلاح «دیالکتیک فضا» در معماری به تضادها و تقابلهایی اشاره دارد که در فضاها وجود دارد. این تضادها می‌توانند شامل مواردی مانند روشنایی و تاریکی، فشردگی و فضایی بودن، جنبه‌های متقابل مثل داخلی و خارجی و... باشند. این مفهوم در معماری، بیشتر به طراحی فضاها و نحوه تأثیرگذاری آنها بر رفتار و احساسات انسان‌ها می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا، تعادل میان تضادها است. در طراحی فضاها، تلاش برای ایجاد تعادل بین عناصر مختلفی مانند روشنایی و تاریکی، فضای باز و بسته، فضای داخلی و خارجی و... به‌عنوان یکی از اصول اساسی در نظر گرفته می‌شود. این تعادل می‌تواند به تعادل در روحیه و احساسات افراد کمک کند و فضا را برای استفاده بهینه از آنان فراهم کند. یکی دیگر از گزاره‌های مهم دیالکتیک فضا، تداخل و تعامل بین عناصر مختلف است. فضاها با ایجاد تداخل و تعامل بین مؤلفه‌های مختلف می‌توانند جذابیت بیشتری داشته باشند. به‌عبارت‌دیگر، فضاها با تنوع و تعدد عوامل، بیشترین تأثیر را بر رفتار و احساسات افراد دارند و این تعامل‌ها می‌تواند به وجود آورنده جوانب جذاب و پویایی در فضاها باشد. یکی از دیگر گزاره‌های پرتکرار، پیوند با محیط است. فضاها باید قادر باشند با محیط اطراف خود پیوند برقرار کنند و ارتباط مثبتی با آن داشته باشند. این ارتباط می‌تواند از طریق استفاده از مناظر طبیعی، ارتباط با فضاها مجاور یا حتی ادغام با فضاهای شهری انجام شود. با توجه به این گزاره‌های پرتکرار، طراحان معماری می‌توانند فضاهایی را ایجاد کنند که تأثیرگذاری بیشتری بر رفتار و احساسات ساکنان داشته باشند و فضاهایی دارای جذابیت و تنوع بیشتری باشند. این اصول به طراحان کمک می‌کند تا فضاهایی باکیفیت و مناسب برای زندگی و کار انسان‌ها ایجاد کنند.

واژگان کلیدی: معماری، دیالکتیک فضا، معماری معاصر، تعامل انسان و فضا، طراحی فضاهای تعاملی، تأثیر معماری بر دیالکتیک فضا.

۱- مقدمه

در دنیای معماری معاصر، تعامل میان معماری و دیالکتیک فضا یکی از مباحثی است که با استقبال ویژه‌ای مواجه شده است. دیالکتیک فضا به‌عنوان یک مفهوم ژرف فلسفی و به‌طور هم‌زمان، یک الگوی معماری، نشان می‌دهد که فضا و عناصر مختلف معماری در یک هماهنگی پویا و ارتباطی با یکدیگر قرار دارند. این روند پویایی و تعامل بین اجزاء، با تضادها و تغییرات، روند طراحی و ساخت فضاهای معماری را شکل می‌دهد (آلتوسر، ۱۴۰۰).

در گذشته، دیدگاه معماران بر تثبیت و تجزیه و تحلیل فضاها و عناصر معماری بود؛ اما با پیشرفت فهم و آگاهی از روابط بین اجزاء، دیدگاه‌ها به سمت یک فرایند پویا و هماهنگ در طراحی فضاها جلب شده است. در حال حاضر، تمرکز بر ایجاد فضاهایی با قابلیت تطبیق و تکامل با تغییرات و نیازهای انسانی بیشتر شده است (احمدی، ۱۴۰۲ الف).

معماری معاصر از این منظر، نه تنها به تعامل و تضاد در طراحی فضاها توجه می‌کند، بلکه به ایجاد محیط‌هایی منعطف و قابل تطبیق با متغیرهای مختلف زندگی انسانی می‌پردازد. این نگرش نه تنها بازتابی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی دارد، بلکه بر اساس اصول فلسفی همچون تحول و توسعه نیز شکل می‌گیرد (احمدی، ۱۴۰۰ الف).

در نتیجه، می‌توان گفت که رابطه میان معماری و دیالکتیک فضا به‌عنوان یکی از موضوعات کلیدی مطالعات معماری، نه تنها درک بهتری از فرایند طراحی و ساخت فضاهای معاصر را ایجاد می‌کند، بلکه معماران را در ساخت فضاهایی با ارزش و کیفیت بیشتر هدایت می‌کند (احمدی، ۱۴۰۰ ب).

در حوزه معماری معاصر، دیالکتیک فضا به‌عنوان یکی از رویکردهای اساسی که تأثیر بسزایی بر طراحی و ایجاد فضاها دارد، به‌وفور توجه و ارزشیابی شده است. این رویکرد، معتقد است که فضا و عناصر مختلف معماری، در یک روند تعاملی و پویا با یکدیگر قرار دارند و هم‌زمان با تغییرات در نیازها و شرایط، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به همین دلیل، معماران مجازی‌تر و بیشتری را برای خلق و ایجاد فضاهایی که از طریق تعامل با انسان‌ها، تجربه‌های منحصر به فرد و متنوعی را ارائه دهند، پیدا کرده‌اند (احمدی، ۱۴۰۰ پ).

در این مقاله، به بررسی و بحث درباره رابطه میان معماری و دیالکتیک فضا در معماری معاصر می‌پردازیم. در ابتدا، به توضیح دیالکتیک فضا به‌عنوان یک مفهوم فلسفی و معماری می‌پردازیم و سپس به بررسی اهمیت آن در طراحی فضاها و ایجاد تجربه‌های منحصر به فرد می‌پردازیم. در انتها، با توجه به این رابطه، اثرات و نتایج معماری معاصر را در روند تحول فضاها بررسی می‌کنیم (احمدی، ۱۳۹۸).

این مقاله به‌منظور ارائه یک دیدگاه جامع و عمیق درباره رابطه میان معماری و دیالکتیک فضا در معماری معاصر تهیه شده است. امیدواریم که این مقاله بتواند به درک بهتری از این رابطه مهم و پویا کمک کند و باعث ایجاد فضاهای با کیفیت و قابلیت تغییر و تطبیق شود.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در تعریف دیالکتیک می‌توان گفت که این مفهوم از ریشه‌های گردابی در فلسفه یونان باستان نشئت گرفته است. اصطلاح «دیالکتیک» از واژه یونانی «*δίαλεκτική*» به معنای «بحث و گفتگو» مشتق شده است. با این حال، در دوران مدرن، دیالکتیک به یک روش فکری تبدیل شده است که بر اساس تضاد و تعارض در بین مفاهیم و ایده‌ها، فرایندهای تحولی و توسعه را توصیف می‌کند (احمدی، ۱۳۹۸).

دیالکتیک در فلسفه به دو حالت «دیالکتیک منفی» و «دیالکتیک مثبت» تقسیم می‌شود. دیالکتیک منفی به معنای تضاد و تعارض بین مفاهیم و نقش‌ها است که منجر به تغییر و تحول می‌شود. به عبارت دیگر، در این نوع دیالکتیک، ابتدا یک وضعیت یا مفهوم مشخص وجود دارد و سپس تضاد و تعارض باعث تغییر و تحول در آن وضعیت می‌شود (احمدی، ۱۴۰۱ الف).

دیالکتیک مثبت به معنای اتخاذ نگرشی سازنده به تضاد و تعارض است و منجر به شکل‌گیری و یکپارچه‌سازی جدیدی می‌شود. در این رویکرد، تضاد و تعارض اولیه به‌عنوان پایه‌ای برای رشد و توسعه بهره‌برداری می‌شود و به نتیجه‌ای سازنده و هماهنگ منجر می‌گردد (احمدی، ۱۴۰۱ ت).

دیالکتیک در معماری نیز به معنای رابطه و تعامل پویا بین فضا و عناصر معماری در فرایند طراحی و ساخت سازه‌ها و فضاها استفاده می‌شود. این رویکرد معماری بر پایه تفاعل مستقیم بین محیط طبیعی، فضاها، مصالح ساختمانی، نور، رنگ و عوامل دیگر استوار است. دیالکتیک معماری به فهم می‌رساند که فضا و عناصر معماری در یک رابطه دینامیک با یکدیگر قرار دارند و تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. این رویکرد طراحی معماری به ایجاد فضاهایی تکاملی و با ارتباط زیستی می‌انجامد که قابلیت تغییر و تطور با تغییر نیازها و شرایط را دارند (احمدی، ۱۳۹۹).

دیالکتیک منفی یک مفهوم فلسفی است که در فلسفه و روش‌های فکری به کار می‌رود. در این رویکرد، تضاد و تعارض بین مفاهیم، ایده‌ها و عناصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیالکتیک منفی به این معنا است که با استفاده از تضاد و تعارض، مفاهیم و عناصر اولیه تغییر و تحول می‌کنند و به یک حالت جدید منتهی می‌شوند (احمدی، ۱۴۰۰ ث).

در دیالکتیک منفی، تضاد و تعارض به‌عنوان یک محرک برای تحول و رشد مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تضاد و تعارض‌ها ممکن است بین افکار، مفاهیم، نقش‌ها یا دیدگاه‌ها بروز کند. با ایجاد تناقض و تضاد در بین این عناصر، روند تحولی و پیشرفتی آغاز می‌شود (همان).

دیالکتیک منفی به ما یادآوری می‌کند که همبستگی و تعامل بین عناصر متفاوت وجود دارد و با استفاده از تضادها، ما می‌توانیم به فهم عمیق‌تری از مفاهیم و روند تحول برسیم. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا به پیچیدگی‌ها و واقعیت‌های چندگانه دست پیدا کنیم و از طریق تضاد و تعارض، به نتایج سازنده‌ای برسیم (احمدی، ۱۴۰۱ ب).

دیالکتیک منفی در معماری نیز به کار می‌رود، زیرا فضاها و عناصر معماری نیز ممکن است در یک رابطه تضادی قرار داشته باشند. این تضادها منجر به تحولات و تغییرات در طراحی و ساخت فضاها می‌شوند و به ما امکان می‌دهند تا فضاهای پویا و جذابی را خلق کنیم که با تضادها و تعارضات، تجربه‌های منحصر به فردی را به مخاطبان ارائه دهند (احمدی، ۱۴۰۲ ب).

در دیالکتیک مثبت نیز به‌عنوان یک مفهوم فلسفی استفاده می‌شود که در فلسفه و روش‌های فکری به کار می‌رود. در دیالکتیک مثبت، تضاد و تعارض بین مفاهیم و عناصر مورد بررسی استفاده می‌شود، اما به‌جای اینکه در نتیجه به تغییر و تحول برسیم، بر ساختار جدیدی تمرکز دارد که تضاد را تجاوز می‌دهد و به یکپارچگی و هماهنگی جدیدی منتهی می‌شود (استادی و سروریان، ۱۳۹۸).

دیالکتیک مثبت به این معنا است که تضاد و تعارض موجود به‌عنوان یک پایه برای رشد و توسعه استفاده می‌شود. در این رویکرد، به‌جای نگرش منفی به تضادها و تعارضات، آن‌ها را به‌عنوان فرصتی برای شکل‌گیری چیزهای جدید و هماهنگی می‌بینیم (افروغ، ۱۳۹۲).

دیالکتیک مثبت در معماری نیز به کار می‌رود، زیرا فضاها و عناصر معماری ممکن است در تعارض قرار داشته باشند. با استفاده از این رویکرد، می‌توانیم به ایجاد سازگاری و هماهنگی بین عناصر مختلف پردازیم و یک فضای یکپارچه و هماهنگ با تضادها و تعارضات موجود دست یابیم. این رویکرد معماری به ما اجازه می‌دهد تا فضاهایی خلق کنیم که به طرز خلاقانه و هماهنگ نقاط مختلف را به هم پیوند داده و تجربه‌های جذابی را برای مخاطبان ایجاد کنیم (انوری، ۱۳۸۳).

دیالکتیک فضا به واکنش‌ها و تعاملاتی اشاره دارد که بین انسان و محیط فیزیکی فضایی که در آن زندگی می‌کند، به وجود می‌آید. فضا در اینجا به محیط فیزیکی اطراف انسان اشاره دارد و دیالکتیک فضا نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی پویایی است که بین انسان و فضا وجود دارد (اولمن و اسمیت، ۱۳۹۹).

دیالکتیک فضا به‌عنوان یک مفهوم در حوزه معماری و طراحی فضاها استفاده می‌شود. این مفهوم بر اساس رابطه و تعامل پویا بین فضا و عناصر معماری در فرایند طراحی و ساخت فضاها تأکید می‌کند. در دیالکتیک فضا، فضا به‌عنوان یک مفهوم زنده و پویا در نظر گرفته می‌شود که تحت تأثیر تعامل با عناصر مختلف، تغییر و تحول می‌کند.

دیالکتیک فضا بر این اصل تمرکز دارد که فضا و عناصر معماری در یک رابطه پیچیده و متقابل با یکدیگر قرار دارند. فضاها با توجه به مصالح ساختمانی، نور، رنگ، نقش‌ها و ارتباطات متفاوت، تنوعی از احساسات و تجربه‌ها را برای ساکنان و کاربران خلق می‌کنند (بنیامین، ۱۴۰۱).

دیالکتیک فضا به ما یادآوری می‌کند که فضاها و عناصر معماری در یک تعامل پویا با یکدیگر قرار دارند و همبستگی و تعامل بین آن‌ها می‌تواند به شکل‌گیری فضاهای زیبا و کارآمد منجر شود. این رویکرد معماری به ما امکان می‌دهد تا با استفاده از طراحی هوشمندانه و متناسب با نیازهای کاربران، فضاهایی را خلق کنیم که به‌طور هماهنگ با تغییرات زمان و نیازهای مختلف، قابل تطبیق باشند (بودریار ۱۴۰۰).

معماری به‌عنوان یک هنر و علم ساخت فضا، تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در دیالکتیک فضا دارد. از طریق انتخاب و ترکیب عناصر معماری، می‌توان یک فضای منحصربه‌فرد و قابل ارتباط با انسان ایجاد کرد. طراحی معماری با در نظر گرفتن نیازها و انتظارات انسان، به ساخت فضاهایی که احساس راحتی، زیبایی و کارایی را القا می‌کنند، می‌پردازد (آلماندینگر و تئودور-جونز، ۱۳۹۴).

تأثیر معماری بر دیالکتیک فضا به این معناست که معماری، به‌عنوان عواملی که در طراحی و ساخت فضاها نقش دارند، تأثیر عمده‌ای بر تکامل و شکل‌گیری دیالکتیک فضا دارد. اصول و مفاهیم معماری، تعیین‌کننده‌هایی هستند که تعاملات بین فضا و عناصر معماری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و درنهایت به شکل‌گیری فضاهایی با دینامیک و هماهنگی مناسب منجر می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷).

یکی از تأثیرات معماری بر دیالکتیک فضا، انتخاب و طراحی عناصر معماری است. از جمله عناصری که بر فضا اثر می‌گذارند می‌توان به سقف، دیوارها، پنجره‌ها، درها، زیرسازی و نورپردازی اشاره کرد. طراحی هوشمندانه این عناصر با استفاده از اصول معماری، می‌تواند فضا را به‌صورت متناسب با نیازها و محیط اطراف شکل دهد و تعاملات مؤثری را با کاربران فراهم کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸).

علاوه بر آن، استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های معماری نیز تأثیر بسزایی در دیالکتیک فضا دارد. از جمله روش‌ها و تکنیک‌های معماری می‌توان به استفاده از طراحی فضای باز، نمایشگرهای تعاملی، استفاده از رنگ و مواد ساختمانی مناسب، طراحی پایدار و انرژی‌پذیر و بهره‌گیری از اصول زیبایی‌شناسی و تناسب اشاره کرد. این روش‌ها و تکنیک‌ها می‌توانند به شکل‌گیری فضاهایی با تجربه کاربری برتر و جذابیت بصری بالا کمک کنند (اقبال، ۱۳۸۶).

بنابراین، معماری با نهادینه کردن اصول و مفاهیم خاص خود در طراحی و ساخت فضاها، تأثیر قابل‌توجهی بر دیالکتیک فضا دارد و با استفاده از این تأثیرات، می‌توان فضاهایی را خلق کرد که هماهنگی، تعامل و تجربه مثبتی را برای کاربران ایجاد می‌کنند (خسروی، ۱۴۰۰).

در معماری معاصر، هدف اصلی طراحی معماری ایجاد فضاهایی است که با انسان در تعامل باشند و به وی امکان ایجاد ارتباط و تأثیرگذاری بر فضا را بدهند. این تعاملات می‌توانند از طریق نورپردازی مناسب، استفاده از جنس‌های مناسب در ساختمان، فضاهای باز و بسته باشند. هدف این تعاملات ایجاد فضاهایی است که احساس راحتی، امنیت و ارتباط با محیط اطراف را به انسان ارائه دهند (رباین، ۱۴۰۰).

تعامل بین فضا و انسان به مفهوم رابطه و تأثیر دوسویه بین فضاهای اطراف و انسان‌ها اشاره دارد. در این رابطه، فضاها و عناصر معماری بر اساس نیازها، تمایلات و ارتباطات انسان‌ها طراحی و ساخته می‌شوند و در عوض، انسان‌ها نیز با تعامل و استفاده از فضاها به آن‌ها شکل و زندگی می‌بخشند (رستمی، ۱۳۹۲).

تعامل بین فضا و انسان در معماری به مفاهیمی مانند ارتباط بین داخل و خارج، تعامل بین فضاهای داخلی، انسجام بین فضاها و انسان‌ها، تجربه حسی و شناختی از فضا، تأثیر محیط فضایی بر رفتار انسان و تأثیر رفتار و فعالیت انسان بر فضا اشاره دارد (رهنورد، ۱۳۸۰).

تعامل بین فضا و انسان می‌تواند در مختلف جنبه‌ها و ابعاد صورت بگیرد، از جمله تعامل در جنبه عملکردی که در آن فضاها به‌طور هماهنگ با نیازهای و فعالیت‌های انسان طراحی می‌شوند، تعامل در جنبه اجتماعی که در آن فضاها امکان برقراری ارتباطات انسانی و ایجاد فضایی برای تعامل و تبادل اطلاعات فراهم می‌شود و تعامل در جنبه حسی که در آن فضاها به‌واسطه استفاده از عناصر مختلف معماری و استفاده از رنگ، نور، صدا و بافت‌های متنوع تأثیر مستقیم بر حس و تجربه انسان دارند (فولیکه، ۱۴۰۰).

با استفاده از طراحی هوشمند و متناسب با نیازهای انسان، می‌توان فضاهایی را خلق کرد که به‌طور اثربخشی بر تعامل، راحتی و رضایت انسان‌ها تأثیر گذاشته و تجربه فضایی مثبتی را برای آن‌ها ایجاد کنند.

نقش دیالکتیک فضا در تعامل بین فضا و انسان به این معناست که فضاها با تأثیر دادن به رفتار و تجربه انسان‌ها، ارتباط و تعامل بین دو مؤلفه اساسی را شکل می‌دهند. دیالکتیک فضا در واقع نحوه تعامل و تأثیر متقابل بین فضاها و انسان‌ها را توصیف می‌کند (لطفی، ۱۳۸۷).

فضاها از طریق عناصر معماری، سازه‌ها، طرح‌ها، رنگ‌ها و مواد ساختمانی و سایر اجزای معماری خود را در ارتباط با نیازها، تمایلات و رفتار انسان‌ها شکل می‌دهند. در عوض، انسان‌ها نیز با حضور در فضاها، تأثیری فعال بر آن‌ها دارند و با تعامل با فضا، آن را شکل می‌دهند و به تجربه شخصی خود راه می‌دهند (فرج‌الهی و مصطفوی، ۱۳۹۱).

دیالکتیک فضا در تعامل بین فضا و انسان نقش مهمی ایفا می‌کند. با توجه به نیازها و تمایلات انسان‌ها، فضاها طراحی می‌شوند و این طراحی‌ها به تجربه و رفتار انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، فضاها به‌عنوان محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و روحی برای تعامل و تجربه انسان‌ها عمل می‌کنند (میبی، ۱۴۰۲).

از طرف دیگر، رفتار و تعامل انسان‌ها نیز تأثیر زیادی بر فضاها دارد. انسان‌ها با تحرک، تغییر در چگونگی استفاده از فضاها و تأثیر خود بر آن‌ها، فضاها را تغییر می‌دهند و به تکامل و تحول آن‌ها کمک می‌کنند.

بنابراین، دیالکتیک فضا در تعامل بین فضا و انسان نقش متقابل و هم‌تأثیری دارد. فضاها تأثیر می‌گذارند و توسط انسان‌ها تجربه می‌شوند و همچنین انسان‌ها نیز تأثیری بر فضاها دارند و آن‌ها را شکل می‌دهند. این تعامل دوسویه بین فضا و انسان باعث شکل‌گیری محیط‌های مناسب برای تعامل، ارتباط و تجربه مثبت انسان‌ها می‌شود (کولتی و اجلی، ۱۳۹۲).

در معماری معاصر، دیالکتیک فضا نقش حیاتی در ایجاد طراحی‌های نوآورانه و قابل ارتقا دارد. با درک عمیق از نیازها و خواسته‌های انسان، معماران می‌توانند فضاهایی را طراحی کنند که بر اساس دیالکتیک فضا، با انسان در تعامل باشند و به وی امکان ایجاد تجربه‌های منحصر به فرد در فضا را بدهند. این نوع طراحی‌ها باعث ایجاد فضاهایی می‌شوند که تأثیر عمیقی در کیفیت زندگی انسان‌ها و ارتقای سطح زندگی جامعه دارند (ناری، ۱۳۹۴).

دیالکتیک فضا در معماری معاصر به نحوه تأثیر و تعامل متقابل بین فضاها و عناصر معماری با رفتار و تجربه انسان‌ها اشاره دارد. در این رابطه، فضاها و عناصر معماری بر اساس نیازها، مفهوم‌ها و مطالبات زمان و محیط زندگی معاصر، طراحی و ساخته می‌شوند (چاوشی، ۱۳۸۶).

دیالکتیک فضا در معماری معاصر نشان می‌دهد که فضاها نه تنها شکل و ساختاری فیزیکی دارند، بلکه تأثیری فعال و روانی بر رفتار، تجربه و احساس انسان‌ها دارند. فضاها با ایجاد ترکیبی از ارتباطات فیزیکی، نورپردازی، رنگ، بافت‌ها، مواد ساختمانی و تکنولوژی‌های مدرن، بر آمیختگی میان فرد و محیط تأثیر می‌گذارند (هانس، ۱۳۹۸).

نقش دیالکتیک فضا در معماری معاصر این است که با ایجاد فضاهای مناسب و بهینه، تعامل فعالی بین فضاها و انسان‌ها را فراهم می‌کند. فضاهایی که بر اساس ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی طراحی شده‌اند و با توجه به نیازها و تمایلات انسان‌ها به وجود آمده‌اند (گادامر، ۱۳۹۰).

دیالکتیک فضا در معماری معاصر نه تنها به ایجاد فضاهایی کارآمد و عملکردی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد تجربه‌های چشمگیر و الهام‌بخش برای انسان‌ها نیز کمک می‌کند. فضاها با ترکیبی مناسب از حسی، شناختی و اجتماعی، به انسان‌ها امکان می‌دهند تا با محیط اطراف خود در تعامل بوده و از آن لذت ببرند (هانس، ۱۴۰۰).

بنابراین، دیالکتیک فضا در معماری معاصر نقش اساسی در ایجاد فضاهای پویا، شگفت‌انگیز و منحصر به فرد دارد که به تعامل مثبت بین فضاها و انسان‌ها، ارتباط اجتماعی، خلاقیت و رشد فردی کمک می‌کند (هورکهایمر و آدورنو، ۱۴۰۰).

۳- روش‌شناسی

برای انجام پژوهش در زمینه گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری، از روش کتابخانه‌ای و فراداده‌ای می‌توان استفاده نمود. در این روش، ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، مطالب و مقالات علمی مرتبط با این موضوع جمع‌آوری می‌شود. این منابع می‌توانند شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های علمی باشند که درباره دیالکتیک فضا و تأثیر آن در معماری مطالعه شده‌اند.

سپس، با تجزیه و تحلیل این منابع و استخراج اطلاعات مورد نیاز، گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا شناسایی می‌شوند. این گزاره‌ها می‌توانند از تحلیل مطالب مرتبط با مفهوم دیالکتیک فضا، نتایج تحقیقات قبلی و دیدگاه‌های مختلف محققان و متخصصان در این زمینه به دست آمده باشند.

علاوه بر این، از فراداده‌ها نیز می‌توان برای پشتیبانی از پژوهش استفاده نمود. با استفاده از داده‌های موجود در پایگاه‌های داده‌های علمی مانند PubMed، Scopus و Google Scholar می‌توان اطلاعات بیشتری درباره موضوع مورد مطالعه به دست آورد. به عنوان مثال، با جستجوی کلمات کلیدی مرتبط با دیالکتیک فضا و معماری، مقالات و تحقیقات جدید در این زمینه را پیدا کرد و از آن‌ها برای تثبیت و توسعه موضوع پژوهش استفاده نمود.

در نهایت، با جمع‌بندی و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع کتابخانه‌ای و فراداده‌ای، می‌توان به نتایج و استنباط‌هایی درباره گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری رسید و آن‌ها را در قالب مقاله پژوهشی ارائه کرد.

۳-۱- سؤال پژوهش

۱. چه رابطه‌ای بین معماری و دیالکتیک فضا در معماری معاصر وجود دارد؟
۲. چگونه معماری معاصر می‌تواند تأثیری بر دیالکتیک فضا داشته باشد؟
۳. چه نقشی در تعامل بین انسان و فضا دارد؟
۴. طراحی فضاهای تعاملی و جذاب چگونه می‌تواند تجربه‌های مثبت و الهام‌بخشی را برای انسان‌ها فراهم کند؟

۴- یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری، تأثیرات قابل توجهی بر طراحی و استفاده از فضاها دارند. از جمله یافته‌های این پژوهش، می‌توان به اهمیت تعادل میان تضادها اشاره کرد. تعادل بین عناصر مختلفی

مانند روشنایی و تاریکی، فضای باز و بسته، فضای داخلی و خارجی و... در طراحی فضاها می‌تواند به معنایی عمیق و منطقی در کارایی و استفاده از فضاها تأثیرگذار باشد.

همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تداخل و تعامل بین عناصر مختلف در فضاها، می‌تواند جذابیت و زیبایی فضاها را افزایش داده و بر رفتار و احساسات افراد تأثیرگذار باشد. این تعامل‌ها و تداخل‌ها، فضاها را از نظر زیبایی و کاربری بهبود می‌بخشد و تجربه کاربران را بهبود می‌دهد.

علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوند با محیط اطراف نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. فضاهایی که با محیط اطراف خود پیوند برقرار می‌کنند و ارتباط مثبتی با آن دارند، احساس رفاه و آرامش برای ساکنان به همراه دارند و باعث افزایش کیفیت زندگی آنان می‌شوند.

بنابراین، بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری، نقش بسیار مهمی در طراحی و استفاده از فضاها دارند و با رعایت این گزاره‌ها می‌توان فضاهایی با کیفیت و جذابیت بالا ایجاد کرد که به بهبود کیفیت زندگی افراد و افزایش رضایت آن‌ها از محیط زندگی کمک می‌کند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان به اهمیت گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری اشاره کرد. این گزاره‌ها با تأثیرگذاری بر تعادل میان تضادها، تداخل و تعامل بین عناصر مختلف و پیوند با محیط اطراف، تأثیر بسیاری بر کیفیت و کارایی فضاها دارند.

در طراحی معماری، تعادل میان تضادها به‌عنوان یکی از اصول اساسی در نظر گرفته می‌شود. این تعادل، با ایجاد هماهنگی بین عناصر مختلفی مانند نور و سایه، فضای باز و بسته و... باعث بهبود عملکرد و استفاده از فضاها می‌شود. به‌عنوان مثال، استفاده از روشنایی مناسب و توزیع درست آن در فضاها، احساس روشنایی و شادابی را در فضاها تقویت می‌کند و بر روحیه و سلامت روانی ساکنان تأثیرگذار است.

همچنین، تداخل و تعامل بین عناصر مختلف در فضاها، جذابیت و زیبایی فضاها را افزایش می‌دهد و تجربه کاربران را بهبود می‌بخشد. این تعامل‌ها و تداخل‌ها، فضاها را از نظر زیبایی و کاربری بهبود می‌بخشد و باعث افزایش رضایت و خوش‌بینی ساکنان نسبت به محیط زندگی‌شان می‌شود. با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که پیشرفت و بهبود در طراحی و استفاده از فضاها باید با رعایت اصول و گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا صورت گیرد. با توجه به این موارد، طراحان معماری می‌توانند فضاهایی را ایجاد کنند که از لحاظ زیبایی، کیفیت و کاربری، بسیار مؤثر و جذاب باشند و به افراد احساس رفاه و آرامش دهند.

این پژوهش نشان می‌دهد که با رعایت و بهره‌گیری از گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا، می‌توان فضاهایی را ایجاد کرد که از لحاظ زیبایی، کاربری و ارتباط با محیط اطراف، بسیار مؤثر و جذاب باشند و به افراد احساس رضایت و رفاه دهند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری پرداخته شد. این گزاره‌ها که شامل تعادل میان تضادها، تداخل و تعامل بین عناصر مختلف و پیوند با محیط اطراف می‌شوند، نقش بسیار مهمی در طراحی و استفاده از فضاها دارند.

با توجه به یافته‌های این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که ارتکاب به اصول و گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا، بهبود کیفیت و کارایی فضاها را فراهم می‌کند. طراحی و استفاده از فضاهایی که با توجه به این گزاره‌ها انجام شود، می‌تواند تأثیرگذاری بسیار مثبت بر تجربه و رضایت افراد داشته باشد و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها را به ارمغان بیاورد.

در نتیجه، با رعایت و بهره‌گیری از این گزاره‌ها، می‌توان فضاهایی را طراحی کرد که علاوه بر زیبایی و جذابیت، ارتباط مثبتی با ساکنان و محیط اطراف داشته باشند و تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی آن‌ها داشته باشد. از این رو، ضروری است که در تمامی فرآیند طراحی و

ساخت، این گزاره‌ها به‌عنوان اصول اساسی در نظر گرفته شوند تا فضاها به بهترین شکل ممکن ایجاد شوند و نیازهای انسانی را به بهترین نحو مرتفع نمایند.

با توجه به پیچیدگی و چندگانگی مفهوم دیالکتیک فضا در معماری، بحث درباره گزاره‌های پرتکرار آن نشان می‌دهد که این موضوع بسیار گسترده و ارزشمند است. گزاره‌های پرتکرار در این مفهوم نه تنها در طراحی فضاها، بلکه در انواع مختلف معماری اعم از مسکونی، تجاری، فرهنگی و غیره تأثیرگذاری دارند. این گزاره‌ها، پیچیدگی‌هایی را که در ارتباط بین انسان و محیط فضایی وجود دارد، بیان می‌کنند و اهمیت آن را در رفاه و رضایت انسان‌ها از محیط زندگی بیان می‌کنند.

با توجه به این موضوعات، نتایج این مقاله نشان می‌دهد که اندیشیدن و پیشرفت در زمینه گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا، نیازمند توجه و تحقیقات بیشتری است. به‌عنوان مثال، مطالعات بیشتر در زمینه تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی این گزاره‌ها بر ساکنان و کاربران فضاها می‌تواند نقش مهمی در توسعه و بهبود طراحی فضاها داشته باشد.

با توجه به این نکات، این مقاله نه تنها به اهمیت و تأثیر گزاره‌های پرتکرار در مفهوم دیالکتیک فضا در معماری اشاره کرده، بلکه نیازمندی‌ها و مسیرهای آینده در زمینه پژوهش‌های مرتبط با این موضوع را نیز مورد بررسی قرار داده است. این موضوعات می‌توانند به توسعه و بهبود مستمر در زمینه طراحی و استفاده از فضاها کمک کنند و به نهایت به بهبود کیفیت زندگی و رفاه انسان‌ها منجر شوند.

۶- منابع

- ۱- احمدی، ب. (۱۴۰۱ ب). مدرنیته و اندیشه‌ی انتقادی. تهران: نشر مرکز.
- ۲- احمدی، بابک (۱۳۹۸). مارکس و سیاست مدرن. تهران: نشر مرکز.
- ۳- احمدی، بابک (۱۳۹۹). نوشته‌های پراکنده. تهران: نشر مرکز.
- ۴- احمدی، بابک (۱۴۰۰ الف). رساله تاریخ. تهران: نشر مرکز.
- ۵- احمدی، بابک (۱۴۰۰ ب). ساختار و هرمنوتیک. تهران: نشر گام نو.
- ۶- احمدی، بابک (۱۴۰۰ پ). معمای مدرنیته. تهران: نشر مرکز.
- ۷- احمدی، بابک (۱۴۰۰ ت). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- ۸- احمدی، بابک (۱۴۰۰ ث). هایدگر و پرسش بنیادین. تهران: نشر مرکز.
- ۹- احمدی، بابک (۱۴۰۱ الف). کار روشنفکری. تهران: نشر مرکز.
- ۱۰- احمدی، بابک (۱۴۰۲ الف). حقیقت و زیبایی‌ی درس‌های فلسفه و هنر. تهران: نشر مرکز.
- ۱۱- احمدی، بابک (۱۴۰۲ ب). کتاب زندگی در دنیای متن. تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- استادی، کاظم؛ و سروریان، حمیدرضا (۱۳۹۸). هستی‌شناسی رنگ بر مبنای سنت تفکر فلسفه اسلامی. پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۸(۱۵)، ۱۳۷-۱۶۱. doi:10.22061/ORJ.2019.1128
- ۱۳- افروغ، عماد (۱۳۹۲). دیالکتیک خرد و جامعه، دریچه‌ای رو به حقیقت. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۱۴- اقبالی، رحمان (۱۳۸۶). ریشه‌های دیکانستراتیویسم در فلسفه، هنرهای زیبا، ۳۰(۳۰)، ۶۳-۷۲.
- ۱۵- آلتوسر، لوئی (۱۴۰۰). دیالکتیک تاریخ به همراه یک مصاحبه با لویی آلتوسر. ترجمه بابک سلیمی‌زاده و هامان نویدپور. تهران: انتشارات ژرف.
- ۱۶- آلمان‌ینگر، فیلیپ؛ و تودور-جونز، مارک (۱۳۹۴). دیالکتیک آینده‌ها: چشم‌اندازهای نو برای برنامه‌ریزی شهری. ترجمه عارف اقوامی‌مقدم. تهران: نشر آزادپیما.

- ۱۷- انواری، سعید (۱۳۸۳). تفکر فازی و کاربرد آن در فلسفه. پژوهشنامه موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی، ۱(۴)، ۱۷۶-۱۹۵.
- ۱۸- اولمن، برتتل؛ و اسمیت، تونی (۱۳۹۹). دیالکتیک برای قرن جدید. ترجمه کمال خالق‌پناه. تهران: انتشارات اختران.
- ۱۹- بنیامین، والتر (۱۴۰۱). نشانه‌ای برای رهایی. ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
- ۲۰- بودریار، ژان (۱۴۰۰). سرگشتگی نشانه‌ها، نمونه‌هایی از نقد پسامدرن. ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
- ۲۱- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۷). دیالکتیک علیه دیالکتیک: درباره‌ی خوانش‌های مارکسیستی از دیالکتیک هگل. ترجمه احسان پورخیری. تهران: انتشارات شوند.
- ۲۲- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۸). هرمنوتیک مدرن: گزینه‌ی جستارها. ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
- ۲۳- چاوشی، سید محمد تقی (۱۳۸۶). بنیاد فلسفه بر اساس تفکر هگل. نامه مفید، ۱۳(۶۲)، ۴۵-۵۶.
- ۲۴- خسروی، کمال (۱۴۰۰). دیالکتیک انتقادی: سپهرهای نقد. تهران: انتشارات لاهیتا.
- ۲۵- رباین، بویکه (۱۴۰۰). نظریه انتقادی از برخاست جنوب جهانی: دیالکتیک کالایدوسکوپیک. ترجمه محمد مهدی فلاح. تهران: موسسه تیسسا ساغر مهر.
- ۲۶- رستمی، صمد (۱۳۹۲). دیالکتیک فلسفه‌ی هگل و درام برشت. تهران: نشر افراز.
- ۲۷- رهنورد، زهرا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی هنر و نقش ایدئولوژی. هنرهای زیبا، ۹، ۴-۱۱.
- ۲۸- فرج‌الهی، مهران؛ و مصطفوی، سیده مریم (۱۳۹۱). فلسفه برای کودکان، رشد تفکر سنجشگرانه. پژوهش‌های معرفت‌شناختی (آفاق حکمت)، ۱(۳)، ۸۹-۱۰۷.
- ۲۹- فولیکه، پل (۱۴۰۰). دیالکتیک. ترجمه سید مصطفی رحیمی. تهران: انتشارات فرهنگ جاوید.
- ۳۰- کولتی، لوچو؛ و اجلی، روی (۱۳۹۲). مارکسیسم و دیالکتیک. ترجمه کمال خسروی و شاهرخ حقیقی. تهران: انتشارات اختران.
- ۳۱- گادامر، هانس گئورگ (۱۳۹۰). دیالکتیک هگل: پنج جستار هرمنوتیکی. ترجمه مهدی فیضی. تهران: نشر رخ دادنو.
- ۳۲- لطفی، محمود (۱۳۸۷). فلسفه پرسشگری است: تفکر پرسشگر از منظر مارتین هایدگر. خردنامه همشهری، ۱(۲۶)، ۱-۳۲.
- ۳۳- میبی، جولی‌ای (۱۳۹۹). دیالکتیک هگل. ترجمه میلاد عمرانی. تهران: انتشارات عصیان.
- ۳۴- میبی، جولی‌ای (۱۴۰۲). دیالکتیک هگل از دانشنامه استنفورد. ترجمه مهدی محسنی. تهران: نشر آن سو.
- ۳۵- ناری، آلن ویلیام (۱۳۹۴). دیالکتیک و تفاوت: رئالیسم انتقادی دیالکتیکی و بنیان‌های عدالت. ترجمه عماد افروغ. تهران: نشر علم.
- ۳۶- هانس، گئورگ (۱۳۹۸). دیالکتیک هگل: مقاله‌هایی از مجموعه فلسفه نوین. ترجمه پگاه مصلح. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۷- هانس، گئورگ (۱۴۰۰). دیالکتیک هگل: پنج جستار هرمنوتیکی. ترجمه مهدی فیضی. تهران: نشر یکشنبه.
- ۳۸- هورکهایمر، ماکس؛ و آدورنو، تئودوردابلیو (۱۴۰۰). دیالکتیک روشنگری. ترجمه فرهادپور، م. تهران: نشر کتاب هرمس.

Repetitive Propositions in the Concept of Space Dialectic in Architecture

Mahmoud Azhdari

Shahr-Quds Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
m.azhdari@live.com

Abstract

The term "dialectic of space" in architecture refers to the contradictions and interactions present within spaces. These contradictions may encompass elements such as lightness and darkness, density and spatiality, as well as mutual aspects like internal and external factors. In architecture, this concept mostly addresses the design of spaces and their influence on human behavior and emotions. One of the most frequently cited propositions in the context of space dialectics is the pursuit of balance amidst contradictions. Designing spaces involves striving to achieve a balance among different elements including light and darkness, open and closed space, indoor and outdoor space, and more, which is considered as one of the basic principles. This balance can contribute to harmonizing people's moods and emotions while facilitating optimal utilization of space. Another important aspect of space dialectic is the interference and interaction among diverse elements. Spaces can be more attractive by creating interference and interaction between different components. In other words, spaces with diversity and multiplicity factors exert the greatest impact on people's behavior and emotions, potentially generating attractive and dynamic qualities within spaces. Additionally, a recurring proposition emphasizes the connection with the environment. Spaces should establish links with their surroundings and cultivate positive relationships with them, achieved through the integration with natural landscapes, connectivity with adjacent spaces, or even integration with urban spaces. According to these frequent propositions, architectural designers can develop spaces that exert a greater impact on the residents' behavior and emotions, fostering environments that are both appealing and diverse. These principles aid designers in creating high-quality and suitable spaces for human life and work.

Keyword: Architecture, Dialectics of space, Contemporary architecture, Interaction between man and space, Design of interactive spaces, Influence of architecture on the dialectics of space, Relationship between architecture and dialectics.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)